

حمایت از دانش سنتی تحت نظام نشانه های جغرافیایی

دکتر مهدی زاهدی Mehdi_Zahedi@yahoo.com

استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی

سمیرا غلام دخت samiragholamdokht@gmail.com

دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق مالکیت فکری دانشگاه علامه طباطبائی

تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۱۰/۲۲ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۰/۲/۱۴

چکیده

در دهه های اخیر، مسأله حمایت از دانش سنتی موضوع مباحث بسیاری در سطوح ملی، منطقه ای و بین المللی بوده است. تلاش های فراوانی نیز از سوی کشورهای مختلف و نهادهایی چون واپو و سازمان ملل در راستای حمایت از آن صورت گرفته که متأسفانه به دلیل اختلاف نظر زیاد هنوز منجر به تدوین قوانین و مقررات الزام آوری نشده است. نقش خطیری که این دانش در تأمین غذا، سلامت و نیازهای بهداشتی درمانی بخش عمده ای از جمعیت جهان - مخصوصاً مردمان کشورهای در حال توسعه و فقیر- دارد از یک سو و شناسایی ظرفیت بالقوه آن برای تجاری سازی و اختصاص بازارهای جهانی به خود از سوی دیگر اهمیت حمایت از آن و جلوگیری از نقض حقوق دارندگان این دانش را ضروری ساخته است. موضوع مقاله حاضر بررسی امکان حمایت از دانش سنتی تحت نظام نشانه های جغرافیایی است؛ این نوشته در پی بررسی توان نظام حمایت از نشانه های جغرافیایی از دانش سنتی است.

واژه های کلیدی: حقوق مالکیت فکری، نشانه های جغرافیایی، دانش سنتی، حمایت.

مقدمه

دانش سنتی میراثی از گذشتگان و حاصل دسترنج جوامع انسانی در طول قرون و اعصار متمادی است که در تلاش برای بقا و زیستن و در تعامل با محیط پیرامون خویش به صورت ابداعات و ابتکارات مختلفی تبلور یافته و به عنوان بخشی از هویت فرهنگی هر ملت از نسلی به نسل دیگر منتقل شده است. در سال های اخیر، وقوع مسایلی چون بحران های زیست محیطی، آثار منفی داروهای شیمیایی بر بدن انسان، نقش انکار ناپذیر دانش سنتی در حفاظت از تنوع زیستی و تأمین نیازهای درمانی و بهداشتی مردمان جوامع در حال توسعه و مسایلی دیگر از این دست، توجه همگان را به خود معطوف داشته است.

نظام حقوق مالکیت فکری به عنوان نظامی که هدفش حمایت از افکار، خلاقیت ها و تلاش های بشری است، در صدد برآمده تا جایگاهی برای این نوع از خلاقیت های فکری جامعه بشری به منظور حمایت از آن تعیین کند. در واقع این نظام خلق شده تا تلاش های فکری انسان را ارج نهد. دانش سنتی هم با تمام ویژگی های منحصر به فرد خود یک آفرینه فکری محسوب می شود که در میان مصادیق گوناگون این نظام جایگاهی ویژه دارد؛ چرا که دانش سنتی ثمره فکر یک یا چند فرد و حاصل تلاش امروز و دیروز نیست، بلکه تبلور اندیشه ها و تجربیات یک ملت در فراز و نشیب تاریخ است. اگر مالکیت فکری ثمره اندیشه یک فرد را ارج می نهد، نمی تواند حاصل اندیشه هزاران هزار مردمان یک جامعه را به دیده اغماض بنگرد. بی شک وجدان بیدار و عقل سلیم نیز این بی عدالتی را بر نمی تابد. به علاوه دانش سنتی خود نیز می تواند الهام بخش تولید آفرینه های فکری بسیاری باشد.

سؤال اساسی که در این مقاله درصدد پاسخگویی به آن هستیم این است که آیا امکان حمایت از دانش سنتی تحت نظام نشانه های جغرافیایی وجود دارد؟

به نظر می رسد از میان ابزارهای گوناگون نظام مالکیت فکری، آنچه بیشتر با ماهیت دانش سنتی هم خوانی دارد، نظام حمایت از نشانه های جغرافیایی است زیرا این نظام امکانات خاصی برای دارنده و حفظ حقوق او فراهم می سازد.

بنابراین باید به بررسی امکان حمایت از دانش سنتی تحت نظام نشانه های جغرافیایی پرداخت. در راستای پاسخگویی به پرسش فوق این مقاله در سه بخش ارائه شده است. در بخش اول به بیان کلیاتی در باب دانش سنتی پرداخته ایم. در بخش دوم نظام نشانه های جغرافیایی مورد بررسی و مذاقه قرار گرفته است. در بخش سوم مزایا و معایب حمایت از دانش سنتی تحت نظام نشانه های جغرافیایی آورده شده و سرانجام در نتیجه گیری مشخص می شود که در دوره خلأ مقررات

مستقل در خصوص حمایت از دانش سنتی بهتر است از مقررات نظام نشانه های جغرافیایی استفاده شود.

۱. دانش سنتی^۱ و خصوصیات آن

تا چندی پیش هنگام سخن گفتن از دانش سنتی، جوامع بومی و محلی و مردمان بومی آنچه بیشتر به ذهن متبادر می شد، چهره مردمی دردمند و به دور از مظاهر پیشرفت و تمدن بود که هم چنان با شیوه های ابتدایی زندگی روزگار می گذراندند. دانش سنتی نیز به عنوان دانشی که در تقابل با دانش مدرن که وامدار تمدن غربی است، در مانده و بعضاً در برخی زمینه ها غیر کاربردی و حتی خرافی و غیرعلمی در نظر گرفته می شد.

اما در سال های اخیر بازشناسی ارزش و اهمیت آن به عنوان دانشی که می تواند حافظ تنوع زیستی باشد آن را قادر ساخته تا نیازهای درمانی خیل عظیمی از جمعیت جهان را برآورده سازد، بی آنکه آسیبی به بدن انسان و محیط طبیعی اطراف وی وارد آورد، این دانش هم چنین منبعی الهام بخش برای خلاقیت های بشری در زمینه های گوناگون می باشد و از ظرفیت بالایی برای تجاری سازی برخوردار است و همین ویژگی ها سبب شد تا جهانیان نگاه تازه ای به آن بیافکنند. دانش سنتی از منطقه ای به منطقه دیگر و از کشوری به کشور دیگر تفاوت دارد؛ چرا که هر جامعه ای در تعامل با محیط طبیعی پیرامون خویش راهی متفاوت از دیگر جوامع برای بقا و زیستن یافته است.

مصادیق این دانش متنوع و دامنه آن گسترده می باشد: دانش کشاورزی، دانش فنی، دانش بوم شناختی، دانش مرتبط با تنوع زیستی، نمودهای فولکلور مانند موسیقی، رقص، آواز، صنایع دستی، طرح ها، قصه ها و آثار هنری، عناصر زبانی مانند نام ها، نشانه های جغرافیایی و نمادها، دارایی های فرهنگی منقول و دانش پزشکی (طب سنتی). شایان ذکر است مواردی که ناشی از فعالیت فکری و خلاقیت های بشری نیستند هر چند مربوط به زمینه های علمی، صنعتی، ادبی یا هنری باشند، در حیطه تعریف دانش سنتی نمی گنجد مثل بقایای انسان ها، زبان به طور کلی و ... (wipo, 2001, p25).

۱-۱. مفهوم دانش سنتی

طبق تعریف سازمان جهانی مالکیت فکری دانش سنتی عبارت است از آثار علمی، ادبی و هنری که مبتنی بر سنت اند از جمله نمایش ها، اختراعات، کشفیات علمی، طرح ها، علائم، نام ها و نمادها، اطلاعات افشا نشده و دیگر ابداعات و خلاقیت های مبتنی بر سنت که ناشی از فعالیت فکری در کلیه زمینه های صنعتی، علمی، ادبی یا هنری اند (Ibid).

۱-۲. مفهوم سنتی در واژه ی دانش سنتی

اصطلاح سنتی که در توضیح این دانش استفاده می شود، بدین معنا نیست که این دانش ماهیاً قدیمی یا غیرفنی است، بلکه بدین معنی است که این دانش مبتنی بر سنت است یا به عبارت دیگر منعکس کننده سنن یک جامعه در برخورد با مسایل و مشکلات گوناگونی است که در محیط پیرامون آن ها رخ می دهد (Stephen A Hansen, Justin W. VanFleet, 2009, p.3).

در توضیح مفهوم واژه «سنتی» باید گفت دانش سنتی - عموماً به طور شفاهی - از نسلی به نسل دیگر منتقل شده است؛ بدین معنا که ابتکاری که در یک زمان برای حل مشکلی صورت گرفته نسل های آتی نیز در مواجهه با همان مشکل یا مشکلی مشابه آن به همان شیوه برخورد کرده اند که تدریجاً به صورت یک سنت یا رسم در آن جامعه در آمده است. این دانش مخصوص مردمان یا جامعه ای خاص با ویژگی های قومی خود می باشد؛ مثلاً مسایلی که برای قبیله ای در منطقه آمازون پیش می آید با مسایلی که ممکن است برای قبیله ای در هند رخ دهد به دلیل تفاوت منطقه جغرافیایی متفاوت از یکدیگر است، لذا نحوه پاسخگویی به این مشکل نیز به فراخور امکاناتی که محیط طبیعی در اختیار آنها قرار داده فرق می کند. به علاوه به طور مستمر در پاسخ به تغییرات محیطی تکامل یافته است، که به علل پیش گفته روند این تکامل نیز از منطقه ای به منطقه دیگر متفاوت است.

نمونه هایی از دانش سنتی عبارتند از: استفاده از کاکتوس هودیا در آفریقا برای رفع گرسنگی و استفاده از زردچوبه در هند برای درمان زخم ها.

۱-۳. ویژگی های دانش سنتی

دانش سنتی دارای ویژگی های متعدد و متنوعی است که آن را از سایر مصادیق حقوق مالکیت فکری متمایز می سازد. برخی از این خصوصیات عبارتند از:
الف) این دانش غالباً خاص جامعه روستایی است.

- (ب) از بطن محیط زیست یک قوم برخاسته است.
- (پ) دامنه و قلمرو آن در تمامی حوزه های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است.
- (ت) از لحاظ معرفتی بهترین و سازگارترین شیوه ی بهره برداری و زندگی در محیط خاص است.
- (ث) انتقال آن از نسلی به نسل دیگر از راه شفاهی و تجربی است (حبیبیا و معتمدی، ۱۳۸۵، ص ۱۳۳).
- (ج) زندگی بشری را برتر از دیگر عناصر جاندار و بی جان نمی داند، بلکه تمام اقسام حیات را وابسته به هم فرض می کند.
- (چ) کل نگر است.
- (ح) مبتنی بر تحولات زمانی یک ملت است (Graham Dutfield, 2002, p13).
- (خ) دربرگیرنده ابداعات و خلاقیت های جوامع بومی و محلی است.
- (د) به طور مشاع بوده و متعلق به فرد خاصی نیست.
- (ذ) هدف از ایجاد آن نه کسب سود، بلکه تسهیل زندگی جوامع انسانی است (Christoph Beat Graber, Martin A Gisberger, 2006, p5).
- در ذیل به توضیح و تشریح این ویژگی ها می پردازیم:
- الف) این دانش غالباً خاص جامعه روستایی است.**
- در توضیح این مطلب باید گفت در کشورهایی مانند کشورهای در حال توسعه که حالت روستایی و ابتدایی زندگی حفظ شده است، نمودهای دانش سنتی بیشتر به چشم می خورد، چرا که مظاهر زندگی مدرن هنوز به طور کامل در تار و پود فرهنگ آنها رخنه نکرده و پیوند آنها با محیط طبیعی پیرامون بسیار قوی است. در واقع بسیاری از مردمان این کشورها برای تأمین غذا و نیازهای دارویی خویش وابسته به منابع ژنتیک و دانش سنتی مرتبط با آن هستند.
- (ب) از بطن محیط زیست یک قوم برخاسته است.
- دانش سنتی حاصل تلاش جوامع انسانی برای بقا و زیستن با استفاده از امکانات خاصی است که محیط طبیعی پیرامون، در اختیار آنها قرار داده است، به همین دلیل دانش سنتی هر منطقه مختص همان منطقه است، چرا که هر منطقه ای محدودیت ها و ظرفیت های خاص خودش را دارد.
- (پ) دامنه و قلمرو آن در تمامی حوزه های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است.
- مصادیق دانش سنتی متنوع و گسترده است و کلیه مظاهر زندگی را در بر می گیرد، مثل طب سنتی، کشاورزی بومی، موسیقی محلی، رقص های محلی و ...

ت) از لحاظ معرفتی بهترین و سازگارترین شیوه ی بهره برداری و زندگی در محیط خاصی است.

همانطور که بیان شد دانش سنتی رابطه تنگاتنگی با محیط جغرافیایی که از آن برخاسته دارد. بنابراین استفاده و توسعه این شیوه ها کمترین آسیب را به محیط زیست خواهد رساند.

ث) انتقال آن از نسلی به نسل دیگر از راه شفاهی و تجربی است.

در واقع متونی که در آنها دانش سنتی به صورت مکتوب درآمده باشد بسیار اندک بوده و همین تعداد اندک نیز عمدتاً به زبان های محلی و باستانی است.

ج) زندگی بشری را برتر از دیگر عناصر جاندار و بی جان نمی داند، بلکه تمام اقسام حیات را وابسته به هم فرض می کند.

همانطور که بیان شد دانش سنتی برآیند تعامل انسان با محیط اطراف است. در شیوه های سنتی سعی در حفظ تعادل رابطه بین انسان و محیط اطراف است. از جمله عللی که موجب بازشناسی ارزش و اهمیت دانش سنتی شده بحران های زیست محیطی و از بین رفتن گونه های گیاهی و جانوری و نقش انکارناپذیر دانش سنتی در حفظ تنوع زیستی است.

چ) گل نگر بودن

در واقع جهان مجموعه ای به هم وابسته است که انسان نیز جزئی از آن را شکل می دهد. اگر در ارتباط میان انسان و محیط پیرامون خویش و یا در ارتباط میان اکوسیستم ها با یکدیگر خللی رخ دهد، نظم جهان هستی نیز مختل می شود.

ح) مبتنی بر تحولات زمانی یک ملت است.

دانش سنتی در پاسخ به نیازهای دارندگان آن و تغییرات محیط تکامل پیدا کرده است. روند تکامل آن نیز به فراخور منطقه ای که از آن نشأت گرفته متفاوت است؛ چرا که جوامع بومی در برخورد با مشکلات با توجه به امکانات موجود در آن منطقه راه حل متفاوتی را برگزیده اند.

خ) دربرگیرنده ابداعات و خلاقیت های جوامع بومی و محلی است.

هر یک از ابداعاتی که امروزه مجموعه آنها به عنوان دانش سنتی شناخته می شود، ابتدا توسط یک فرد خلق شده و سپس به تدریج با گذشت زمان و پیشرفت فرهنگ و تمدن این ابداعات نیز تکامل یافته و بر اثر تکرار و انتقال از نسلی به نسل دیگر به صورت بخشی از هویت فرهنگی جوامع درآمده است.

(د) به طور مشاع بوده و متعلق به فرد خاصی نیست.

بخش عمده ای از دانش سنتی در قلمرو عموم بوده و در دسترس همگان - حتی خارج از جامعه- است. به علاوه این دانش بخشی از میراث و هویت فرهنگی هر جامعه را شکل می دهد و نمی توان قایل به مالکیت خصوصی فرد خاصی بر آن شد.

(ذ) هدف از ایجاد آن نه کسب سود، بلکه تسهیل زندگی جوامع انسانی است.

دانش سنتی در پاسخ به نیازهای جوامع انسانی شکل گرفته و همگام با تحولات آن تکامل یافته است. در واقع انسان ها برای ادامه زندگی و با بهره گیری از عناصر طبیعت دانشی را خلق کرده اند که امروزه ارزش اقتصادی بالایی کسب کرده است. حال آنکه هدف اولیه از ایجاد آن بقای جوامع بوده است.

۱-۴. دارندگان یا صاحبان دانش سنتی^۱

سازمان جهانی مالکیت فکری از اصطلاح دارندگان دانش سنتی برای اشاره به کلیه افرادی که دانش سنتی را ایجاد کرده، توسعه داده و در محیط و بستر بومی و محلی آن دانش به کار بسته و مورد استفاده قرار داده اند، استفاده می کند (wipo, 2001, p26).

دانش سنتی مختص جامعه خاصی نیست و در هر جامعه ای ممکن است یافت شود. دارنده دانش سنتی می تواند یک قبیله، یک جامعه یا بخشی از افراد یک جامعه باشد. حتی ممکن است در مواردی فقط یک فرد خاص دارنده دانش سنتی باشد، مثل موردی که نسخه ای در خصوص درمان یک بیماری به شخصی به ارث رسیده است.

۱-۵. مشکلات دارندگان دانش سنتی

از جمله مشکلات دارندگان دانش سنتی می توان موارد ذیل را برشمرد:

الف) عدم حمایت از دانش سنتی تحت نظام کنونی مالکیت فکری

دانش سنتی و فولکلور در طی قرون و اعصار شکل گرفته و حاصل تجربیات یک جامعه در طول تاریخ است، لذا نمی توان آن را به شخص خاصی به عنوان مالک نسبت داد. در اغلب موارد نیز این دانش به نحو گسترده ای افشا شده و فقط در موارد اندکی بین افراد یک جامعه به صورت یک راز باقی مانده است، به عبارت دیگر بخش عمده ای از دانش سنتی در قلمرو عموم قرار داشته و طبق نظام کنونی مالکیت فکری قابل حمایت نیست. بنابراین سایر افراد می توانند بدون در

نظر گرفتن حق جوامع بومی و محلی نسبت به این دانش و پرداخت سهم منصفانه ای از منافع ناشی از تجاری سازی آن، اقدام به بهره برداری نمایند (خوبکار، ۱۳۸۲، صص ۴-۲).

ماده (۲) قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان سال ۱۳۴۸ در این خصوص مقرر می دارد: «اثرهای مورد حمایت این قانون به شرح زیر است: ... بند ۱۰) اثر ابتکاری که بر پایه فرهنگ عامه (فولکلور) یا میراث فرهنگی و هنر ملی پدید آمده باشد.»

ماده (۴) قانون ثبت اختراعات، طرح های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶ نیز در این خصوص مقرر داشته: « موارد زیر از حیطه حمایت از اختراع خارج است ... بند (ه) آنچه قبلاً در فنون و صنایع پیش بینی شده باشد. فن یا صنعت قبلی عبارت است از هر چیزی که در نقطه ای از جهان از طریق انتشار کتبی یا شفاهی یا از طریق استفاده عملی و یا هر طریق دیگر، قبل از تقاضا یا در موارد حق تقدم ناشی از اظهار نامه ثبت اختراع افشا شده باشد.

ب) وقوع سرقت زیستی

سرقت زیستی معانی گوناگونی دارد، برخی از آنها عبارتند از: تحصیل منابع ژنتیک یا دانش سنتی مربوطه بدون اجازه دارندگان آن، عدم تسهیم منافع ناشی از استفاده تجاری از منابع ژنتیک یا دانش سنتی، تحصیل حقوق مالکیت فکری دانش سنتی توسط افرادی که فقط از آن نسخه برداری کرده اند بدون اینکه دانش ثبت شده دارای گام ابتکاری باشد، هر گونه حمایت مالکیت فکری از ابداعات بیوتکنولوژی که مبتنی بر دانش سنتی و منابع ژنتیک است، بدون در نظر گرفتن این مسأله که آیا شروط دسترسی به این منابع، شروط تسهیم منافع و شروط اکتساب حق مالکیت فکری رعایت شده است یا خیر؟ (Christoph Beat Graber, Martin A Girsberger,)
(opcit, p8)

باید توجه داشت بخش عمده ای از دانش سنتی و فولکلور در جوامع بومی و محلی کشورهای در حال توسعه که به لحاظ علمی و فنی رشد چندانی ندارند، متمرکز گردیده است. این جوامع فاقد توانایی لازم برای تجاری سازی دانش خود می باشند، به علاوه اطلاعات حقوقی و قدرت لازم را برای شناسایی و اجرای حقوق خویش ندارند. این مسایل موجب عدم کسب اجازه از آنها به منظور بهره برداری از دانش سنتی و فولکلور و نتیجتاً عدم تخصیص بخشی از سود ناشی از تجاری سازی آن به این جوامع گردیده و در نتیجه زیان فراوانی به آنها وارد می سازد. این امر خود یکی دیگر از عوامل تشدید فقر و محرومیت این جوامع می گردد.

ب) تحریف عناصر دانش سنتی و فولکلور در فرایند صنعتی و تجاری سازی

بعضی از عناصر دانش سنتی قابلیت تجاری سازی دارند. گاهی بنا به سلیقه مشتری و جهت حفظ ککش بازار کالا، تغییراتی در محصول مبنی بر دانش سنتی می دهند که بعضاً ممکن است صورتی تحریف شده و نادرست از آن ارایه دهد که این امر می تواند به دانش سنتی و فولکلور آن جامعه لطمه وارد سازد (خویکار، پیشین، ص ۴). مثلاً یک شرکت آلمانی از طرح گبه ایرانی برای تولید نوعی پتو استفاده کرده است. گبه در ایران نوعی زیرانداز محسوب می شود، حال آنکه پتو روانداز و وسیله ای برای گرم کردن است.

ت) خطر از بین رفتن دانش سنتی

مسایلی چون بهره برداری بیش از حد از گیاهان دارویی، مهاجرت مردم بومی و روستایی به شهرها و کشورهای دیگر، ورود شیوه های نوین زندگی و جایگزین کردن آن به جای شیوه های سنتی زندگی، فرهنگ پذیری و تبادل فرهنگی (wipo, Intellectual Property and Traditional Knowledge, 2010, p7)، تخریب محیط زیست، از بین رفتن جوامع بومی و محلی، از میان رفتن زبان ها و گویش های محلی، فقدان علاقه به ادامه استفاده از دانش سنتی، (Beat Graber, Girsberger, op.cit, p10) از جمله مواردی است که بقای دانش سنتی را به خطر می اندازد.

ث) عدم احترام به دانش سنتی (غیر علمی دانستن آن)

مشکل دیگری که دارندگان دانش سنتی با آن مواجهند فقدان احترام و ارج گذاری به چنین دانشی است. مثلاً عموماً درمانگران طب سنتی نمی توانند آثار یک داروی گیاهی روی بدن انسان را به زبان علمی روز توضیح دهند، اما به تجربه ای که خود کسب کرده یا از نیاکان خویش به ارث برده اند می دانند که چه دارویی برای چه بیماری مناسب است. این امر نه تنها به معنای غیر علمی بودن یا غیر کاربردی بودن دانش سنتی نیست، بلکه عکس العمل مثبت بدن انسان نسبت به آن دارو در قبال بیماری خاصی، اعتبار آن را ثابت می کند.

ج) عدم وجود قوانین شفاف در رابطه با استفاده مناسب از دانش سنتی

عدم وجود قوانین مناسب و شفاف در سطح ملی و بین المللی در خصوص استفاده مناسب از دانش سنتی فضاهایی مبهم را برای افرادی که در پی استفاده از دانش سنتی در تحقیق و توسعه

محصولات جدیدند، ایجاد می کند. به علاوه امکان سرقت زیستی و سواستفاده از آن را نیز افزایش می دهد.

ج) مسأله حمایت بین المللی از دانش سنتی

حمایت موثر از دانش سنتی در گرو تصویب مقرراتی بین المللی^۱ است که با پیوستن جوامع و کشورها به این مقررات بتوان آن را در تمام نقاط دنیا لازم الاجرا دانست. این امر فقط با مشارکت کلیه جوامع - یا به عبارت بهتر اکثریت آنها- از تمام نقاط دنیا و مخصوصاً دارندگان دانش سنتی، در مذاکرات مربوط به تدوین مقررات حمایت از دانش سنتی همراه با بهره گیری از تجربیات ملی در این زمینه، میسر خواهد بود (wipo, 2010, pp7-9).

۱-۶) انتظارات و نیازهای دارندگان دانش سنتی از نظام حقوق مالکیت فکری

طبق گزارش گروه های حقیقت یاب سازمان جهانی مالکیت فکری، موارد ذیل به عنوان انتظارات و نیازهای دارندگان دانش سنتی ذکر شده است:

- ۱- افزایش آگاهی افراد جامعه نسبت به ماهیت نظام مالکیت فکری و نقش آن در حمایت از دانش سنتی.
- ۲- ممانعت از تحصیل غیرمجاز حقوق مالکیت فکری در رابطه دانش سنتی جامعه، مخصوصاً از طریق پتنت.
- ۳- مکتوب کردن دانش سنتی و انتشار آن به عنوان دانش پیشین به منظور ممانعت از تحصیل پتنت.
- ۴- تبیین این مسأله که در چه صورت دانش سنتی، به عنوان دانش پیشین تلقی می شود؟
- ۵- آشنایی و درک بیشتر جامعه مالکیت فکری از دیدگاه ها، انتظارات و نیازهای دارندگان دانش سنتی.

۱. در این خصوص باید متذکر شد که اقدامات چندی از سوی نهادهای بین المللی صورت گرفته که از جمله می توان به موارد ذیل اشاره کرد: تصویب مقررات نمونه برای قانونگذاری ملی در خصوص حمایت از نموده های فولکلور در برابر استفاده غیرمجاز و دیگر اقدامات مضر در ۱۹۸۲ با مشارکت وایپو و یونسکو، تدوین پیش نویس مقررات حمایت از دانش سنتی توسط کمیته بین الدولی مالکیت فکری، منابع ژنتیک، دانش سنتی و فولکلور، تصویب کنوانسیون تنوع زیستی در ۱۹۹۲ و اعلامیه حقوق مردم بومی مصوب ۲۰۰۷ سازمان ملل متحد.

- ۶- تسهیل گفتگو و ارتباط بین دارندگان دانش سنتی، بخش خصوصی و دولت، سازمان های غیردولتی و... برای کمک به توسعه کیفیت همکاری بین آن ها در سطح ملی، منطقه ای و بین المللی.
- ۷- افزایش مشارکت ادارات ملی و منطقه ای مالکیت فکری - جامعه مالکیت فکری به طور کلی - در فرایندهای مرتبط با دانش سنتی در مواردی که موضوعات مالکیت فکری در آن ها مطرح می شود.
- ۸- در کوتاه مدت، بررسی امکان کاربرد و استفاده از ابزارهای کنونی مالکیت فکری برای حمایت از دانش سنتی.
- ۹- در بلند مدت، ایجاد نظام خاص در نظام مالکیت فکری برای حمایت از دانش سنتی.
- ۱۰- تسهیل دسترسی به نظام مالکیت فکری، مثل کاهش هزینه های ثبت و دفاع از پتنت.
- ۱۱- فراهم نمودن مساعدت قانونی / تکنیکی در خصوص مستندسازی دانش سنتی.
- ۱۲- اطلاع رسانی در خصوص قوانین، مقررات، دستورالعمل ها و پروتکل های مرتبط با مالکیت فکری.
- ۱۳- کمک به دارندگان دانش سنتی در مذاکرات، تهیه پیش نویس، اجرا و لازم الاجرا کردن قراردادها.
- ۱۴- بررسی و توسعه بهترین روش های قراردادی دستورالعمل ها و شروط نمونه برای قراردادها، فراهم نمودن اطلاعات و حمایت در برابر شروط قراردادی غیرعادلانه با همکاری نزدیک مردم بومی و جوامع محلی.
- ۱۵- اطلاع رسانی در خصوص ارزش اقتصادی بالقوه دانش سنتی و توسعه ابزارهایی برای ارزیابی اقتصادی آن (wipo, 2001, pp 6-7).

۲. نظام نشانه های جغرافیایی^۱

نشانه های جغرافیایی به عنوان علامت، بر روی کالاهایی که منشأ جغرافیایی خاصی داشته و کیفیت و اعتبار آن ها نشأت گرفته از مکان تولید آن ها است، استفاده می شود. در واقع این علامت بین کالا و منشأ آن یک پل ارتباطی برقرار می کند (wipo, 2010, p14). این اصطلاح برای اولین بار در موافقت نامه ترپیس به کار گرفته شد. قبل از ترپیس کالاهایی که با مکان منشأ

خود ارتباط داشتند، با اسامی مختلفی شناسایی می شدند مثل اسامی مبدأ، نشانه های منبع^۲ و ... فقط در موافقت نامه تریپس بود که تلاش برای تعریف مفهوم نشانه های جغرافیایی صورت گرفت و نرم های بین المللی حداقلی برای حمایت تعیین گشت، اگر چه که شیوه حمایت آزاد گذاشته شد (Hanns Ullrich, 2005, p2).

بند (۱) ماده (۲۲) موافقت نامه تریپس در تعریف نشانه های جغرافیایی مقرر می دارد: «علائم و نشانه های جغرافیایی، نشانه هایی هستند که مبین و نشانگر مبدأ کالا در قلمرو کشور عضو و یا منطقه و مکانی در آن قلمرو بوده که کیفیت خاص، شهرت و یا سایر ویژگی های کالا را بتوان اساساً به آن مبدأ جغرافیایی منتسب نمود.»

طبق بند (الف) ماده (۱) قانون حمایت از نشانه های جغرافیایی مصوب ۱۳۸۳ مجلس شورای اسلامی، «نشانه جغرافیایی نشانه ای است که مبدأ کالایی را به قلمرو، منطقه یا ناحیه ای از کشور منتسب می سازد مشروط بر اینکه کیفیت، مرغوبیت، شهرت یا سایر خصوصیات کالا اساساً قابل انتساب به مبدأ جغرافیایی آن باشد.»

سه شرط عمده برای شناسایی یک علامت به عنوان نشانه جغرافیایی وجود دارد:

۱- باید مرتبط با کالا یا خدمات باشد (در برخی کشورها خدمات هم تحت شمول آن قرار می گیرند مثلاً در آذربایجان، بحرین، کرواسی، جامائیکا، سنت لوسیا، سنگاپور و ...). مثل شامپاین که نام منطقه ای در کشور فرانسه است یا طب سوزنی که نوعی خدمات مخصوص نژاد زرد یعنی کشورهای چین، کره و ... است.

۲- این کالاها یا خدمات باید مختص یک مکان معین باشند.

۳- این کالاها یا خدمات باید کیفیات، اعتبار یا دیگر ویژگی هایی که به وضوح با منشأ جغرافیایی کالاها مرتبطند، داشته باشند.

کارکرد اصلی نشانه های جغرافیایی تعیین منشأ کالاها است. آن ها به یک مکان یا منطقه خاص تولید اشاره می کنند که ویژگی ها و کیفیات خاصی را به آن کالا اعطا می کند. مهم است تأکید کنیم کالا کیفیت و اعتبارش را از مکان تولید می گیرد. این علائم می تواند اعتبار و ارزش تجاری بالایی را به دست آورند و به همین دلایل ممکن است در معرض دستبرد، سوء استفاده و جعل قرار گیرند (Commission of the European Communities, 2007, p.1).

1. Appellation of Origin
2. Indication of Source

حمایت در نظام نشانه های جغرافیایی به دو معنا است؛ حمایت تحت نظام نشانه های جغرافیایی مانع از استفاده افراد غیر مآذون از نشانه جغرافیایی مربوطه می شود. به علاوه افرادی که تولیداتشان مطابق استانداردهای تعیین شده تحت آن نشانه جغرافیایی نیست، نمی توانند از آن استفاده کنند. دومین مسأله حمایت در برابر ژنریک شدن است. اگر یک نشانه جغرافیایی ژنریک شود، تمایز خود را از دست داده و دیگر قابل حمایت نیست، لذا کلیه افراد مجاز به استفاده از آن خواهند شد (wipo, Wipo Intellectual Property Handbook: Policy, Law and Use,) (Chapter 2, p121).

در سطح ملی اولین کشوری که اقدام به قانونگذاری در زمینه نشانه های جغرافیایی نمود کشور فرانسه است. نخستین قانون این کشور در سال ۱۹۱۹ میلادی در رابطه با حمایت از اسامی مبدأ به تصویب رسید. طبق این قانون اسم مبدأ، نام کشور، منطقه یا مکانی است که مشخص می سازد محصول از آنجا نشأت گرفته و ویژگی های آن محصول به دلیل عوامل جغرافیایی آن است. در خصوص حمایت از نشانه های جغرافیایی در ایران باید گفت که اگر چه کشور ما از سال ۱۳۳۷ عضو کنوانسیون پاریس و نتیجتاً ملزم به حمایت از نشانه های جغرافیایی، که البته از آن به عنوان اسامی مبدأ یا نشانه های منبع یاد شده، بوده است، اما نخستین قانون در این زمینه در سال ۱۳۸۳ در ۱۶ ماده و ۳ تبصره به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است (میرحسینی، ۱۳۸۵، ص ۳۸).

در سطح بین المللی اولین کنوانسیون که در خصوص حمایت از مالکیت صنعتی به تصویب رسید، کنوانسیون پاریس مصوب ۱۳۸۳ است. در ماده (۱) این کنوانسیون اسامی مبدأ و نشانه های منبع در لیست موضوعات مالکیت صنعتی آمده است.^۱ منظور از اسامی مبدأ، اسم کشور، شهر، منطقه یا مکان خاصی است که بر روی کالاهایی که ویژگی های خاص آنها به دلیل محیط جغرافیایی مکان تولید آنها است، استفاده می شود (wipo, Understanding Industrial Property, 2010, p15).

نشانه منبع فقط بیانگر این است که کالای خاصی در مکان خاصی تولید شده، بدون اینکه نیاز باشد بین ویژگی های آن کالا و مکان تولید آن رابطه ای وجود داشته باشد. در واقع در نشانه های منبع ارتباط کیفی میان کالا و مکان تولید آن بسیار ضعیف است (میرحسینی، ۱۳۸۵، صص ۲۳-۲۲).

۱. برای اطلاعات بیشتر رک:

تفاوت آن با اسامی مبدأ در این است که در اسامی مبدأ ارتباط بین کالا و مکان تولید آن قوی تر است، بدین معنا که کالای مذکور باید دارای ویژگی های منحصر به فردی باشد که این ویژگی ها ضرورتاً به دلیل محیط خاص تولید آن باشد. اما در نشانه های منبع چنین ارتباط قوی میان کالا و مکان تولید آن ضروری نیست، در واقع نشانه منبع فقط بیان می کند که کالایی در مکان خاصی تولید شده، بی آنکه ضرورت داشته باشد ویژگی های آن کالا متناسب به مکان تولید آن باشد.

دومین سند بین المللی در زمینه حمایت از نشانه های جغرافیایی، موافقت نامه مادرید در خصوص جلوگیری از نصب نشانه های منبع مجعول و گمراه کننده است که در سال ۱۸۹۱ به تصویب رسیده و در سال های ۱۹۱۱، ۱۹۲۵، ۱۹۳۴ و ۱۹۵۸ مورد تجدیدنظر قرار گرفته است. براساس بند (۱) ماده (۱) این موافقت نامه، کلیه کالاهای حاوی نشانه های غیرواقعی یا گمراه کننده که یکی از کشورهایی که این موافقت نامه در خصوص آنها اعمال می شود، به عنوان کشور مبدأ معرفی می کنند، به هنگام ورود به هر یک از کشورهای مذکور توقیف خواهند شد.^۱ دولت ایران نیز در سال ۱۳۸۲ به این موافقت نامه پیوسته است.

سومین موافقت نامه در این خصوص، موافقت نامه لیسبون است که در سال ۱۹۵۸ برای حمایت از اسامی مبدأ و ثبت بین المللی آن ها به تصویب رسید. دولت ایران در سال ۱۳۸۳ به این موافقت نامه ملحق شد.

طبق بند (۲) ماده (۱) این موافقت نامه، کشورهای عضو متعهدند که از اسامی مبدأ سایر کشورهای عضو اتحادیه که تحت این عنوان در کشور مبدأ مورد حمایت قرار گرفته و در دفتر بین المللی مالکیت معنوی موضوع کنوانسیون تأسیس سازمان جهانی مالکیت معنوی به ثبت رسیده اند، حمایت به عمل آورند.^۲

اما جامع ترین سند بین المللی در زمینه مالکیت فکری موافقت نامه تریپس است که از اول ژانویه ۱۹۹۵ لازم الاجرا شده است. همانطور که پیش تر نیز بیان شد، اصطلاح نشانه های جغرافیایی برای اولین بار در موافقت نامه تریپس به کار گرفته شد. طبق ماده (۲۲) این موافقت

۱. برای اطلاعات بیشتر رک:

<http://www.wipo.int/export/sites/www/treaties/en/ip/madrid>

۲. برای اطلاعات بیشتر رک:

<http://www.wipo.int/treaties/en/registration/lisbon>

نامه، نشانه های جغرافیایی باید به منظور اجتناب از گمراهی عموم و جلوگیری از رقابت ناجوانمردانه مورد حمایت قرار گیرند.^۱

۲. مزایا و معایب حمایت از طب سنتی تحت نظام نشانه های جغرافیایی

(۳-۱) در نگاه اول استفاده از نشانه های جغرافیایی برای حمایت از دانش سنتی مناسب به نظر می رسد، چرا که هدف نشانه های جغرافیایی حمایت از ابداعات نیست، بلکه از اعضای یک گروه یا جامعه که به شیوه های سنتی متعلق به آن جامعه یا فرهنگ وفادار بوده، و از خوشنامی و اعتباری که طی سالیان سال یا حتی قرن های متمادی کسب کرده اند، حمایت کرده و برای آن ها ایجاد درآمد می کند.

(۳-۲) نشانه های جغرافیایی می تواند برای انواع محصولات طبیعی، سنتی، صنایع دستی که ویژگی های خاص آن ها قابل انتساب به منشأ جغرافیایی شان است، ارزش افزوده ایجاد کند، بدین معنا که در رقابت با سایر محصولات مشابه اعتبار بیشتری را برای آن ها رقم زده و نتیجتاً ایجاد تمایز و برتری نماید (Hansen, Vanfleeter, 2009, p.22).

(۳-۳) بر خلاف علایم تجاری که قابل نقل و انتقال بوده و می توان حق مالکیت یا بهره برداری از آن را به سایر افراد چه درون جامعه و چه در خارج از جامعه انتقال داد، نشانه های جغرافیایی به سهولت قابل نقل و انتقال نیست. مثلاً تولید کننده ای که واجد شرایط استفاده از نشانه جغرافیایی خاصی است، اگر کارگاه خود را بفروشد، خریدار باید استانداردهای خاصی را برای تولید تحت آن نشانه جغرافیایی رعایت کند، در غیر این صورت ممکن است حق استفاده از آن را از دست بدهد. به علاوه این علامت قابل واگذاری به اشخاص خارج از آن منطقه نمی باشد (سلیمانی، ۱۳۸۸، ص ۲۵۲).

(۳-۴) حمایت تحت نظام نشانه های جغرافیایی نیازی به ثبت ندارد. از سوی دیگر ثبت آن مانع از ژنریک شدن نشانه جغرافیایی می شود.

(۳-۵) با ثبت داخلی امکان حمایت بین المللی از آن فراهم می شود. با توجه به بند (۲) ماده (۱) موافقت نامه لیسبون، کشورهای عضو موافقت نامه تعهد می کنند از اسامی مبدأ محصولات سایر کشورهای عضو اتحادیه که تحت این عنوان در کشور مبدأ به رسمیت شناخته شده و مورد

۱. برای اطلاعات بیشتر رک:

حمایت قرار دارند و در دفتر بین المللی مالکیت معنوی موضوع کنوانسیون تأسیس سازمان جهانی مالکیت معنوی به ثبت رسیده اند، در قلمرو خود حمایت کنند.

۳-۶) افراد غیرمأذون نمی توانند از نشانه های جغرافیایی استفاده کنند. زیرا چنین استفاده ای ممکن است باعث گمراهی عموم یا مشتریان نسبت به منشأ واقعی کالا شود (DTI, 2010, p12).

۳-۷) مدت حمایت در این نظام نامحدود است.

علیرغم مزایای فوق، نظام نشانه های جغرافیایی دارای محدودیت هایی به شرح زیر است:

۳-۸) اگر دانش سنتی به صورت یک راز باقی مانده باشد می توان از آن تحت نظام نشانه های جغرافیایی حمایت به عمل آورد. اما در اکثر موارد دانش سنتی نه فقط برای اعضای جامعه بلکه برای اشخاص خارج از جامعه هم شناخته شده است، لذا می توان از دانش سنتی مربوطه استفاده کرده و محصول مبتنی بر آن را تحت علائم تجاری گوناگون به فروش رساند. مگر اینکه عمیقاً با نشانه جغرافیایی ادغام شده باشد (N.S Gopalakrishnan, 2007, p4).

مثلاً پنیر فتا تولید کشور یونان است. اگر روش تولید این پنیر افشا شده یا به عبارت دیگر در قلمرو عموم باشد، افراد خارج از منطقه فتا نیز می توانند از روش مزبور استفاده کرده و پنیر تولیدی را تحت علائم تجاری گوناگون به فروش برسانند.

۳-۹) اگر نشانه جغرافیایی مربوطه اعتبار بالایی کسب کرده باشد، به سختی می توان با کالاهای مشابه مبتنی بر دانش سنتی مشابه که با نام های تجاری مختلفی ارائه شده اند به بازار نفوذ کرد. با این حال باید توجه داشت چنین مواردی بسیار محدود است، چرا که تعداد زیادی محصول مبتنی بر دانش سنتی در بازار وجود دارد که نام هایی که برای فروش آن ها استفاده شده، مطابق با ملزومات حمایتی نشانه های جغرافیایی نمی باشند (ibid).

همانطور که در تعریف نشانه های جغرافیایی بیان شد، نشانه جغرافیایی نام یا علامتی است که بیانگر ارتباط بین یک کالا با مکان تولید آن است. مثلاً علامت کوه آلپ بر روی شکلات های ساخت سوئیس نشان دهنده این است که شکلات در سوئیس تولید شده و به دلیل شرایط خاصی که آن کشور دارد، این شکلات از ویژگی های خاصی برخوردار است. حال اگر سوئیس به جای استفاده از تصویر کوه آلپ که به نوعی نماد کشور سوئیس است، از تصویر دیگری استفاده کند که هیچ ارتباطی بین آن محصول و مکان تولید آن برقرار نمی سازد- مثلاً ستاره -، آن علامت تحت نظام نشانه های جغرافیایی قابل حمایت نخواهد بود و بنابراین سایر کشورها نیز در صورت

دسترسی به دانش سنتی مربوط به تولید شکلات، می توانند از آن استفاده کنند و محصول تولید شده را تحت علایم تجاری گوناگون به فروش برسانند.

۱۰-۳) دانش سنتی دانشی جمعی بوده که گاهی به دلیل توسعه موازی یا مبادله دانش، جوامع با اکوسیستم مشابه دانش سنتی مشابه یا یکسانی دارند. بنابراین تعیین اینکه کدام جامعه مالک اصلی آن است بسیار مشکل می باشد.

۱۱-۳) تجزیه تحلیل قوانین مختلف نشان می دهد هدف نظام نشانه های جغرافیایی حمایت از نام کالاها و نه دانش سنتی موجود در آن است. در این قوانین هیچ ماده صریحی دال بر حمایت از دانش سنتی موجود در نشانه های جغرافیایی دیده نمی شود و حتی مکانیزمی نیز برای حفظ محرمانگی دانش سنتی، مقرر نشده است. مضاف بر این که در کلیه این قوانین به تجار هم اجازه داده شده تا نشانه های جغرافیایی را ثبت و استفاده کنند. این مسأله موقعیت دارندگان دانش سنتی را در نشانه های جغرافیایی تضعیف می کند. لذا پیشنهاد شده که کشورها اصلاحیه ای به قوانین مذکور وارد کنند که بر حمایت از تولیدکنندگان واقعی نشانه های جغرافیایی متمرکز شود، به نحوی که از منافع دارندگان دانش سنتی در نشانه های جغرافیایی ثبت شده حمایت کند. ماده ای نیز برای حفظ محرمانگی دانش سنتی وضع شود. این گام ها حداقل ایجاد رابطه مناسب بین حمایت از دانش سنتی و نشانه های جغرافیایی را از طریق قوانین موجود تسهیل می کند. اما این میزان تلاش برای حمایت از تمامی اشکال دانش سنتی کافی نیست، چون در بیشتر موارد دانش سنتی به نحو گسترده ای شناخته شده و در واقع در قلمرو عموم می باشد. لذا برای حمایت مؤثر از آن ها کشورها باید چهار چوب مجزایی را ابداع و ارائه کنند (ibid. p4).

۱۲-۳) مسأله مالکیت نشانه های جغرافیایی نیز بسیار حایز اهمیت است. علی الاصول و با توجه به مبنای حمایت از این آثار، مقررات حمایتی بایستی به منظور حمایت از تولیدکنندگان واقعی نشانه های جغرافیایی باشد. در این صورت و چنانچه قصد قانون حمایت از تولیدکنندگان واقعی است، مالکیت نشانه های جغرافیایی نیز انحصاراً باید با آن ها باشد. معیناً در اکثر قوانین، معامله کنندگان و تجار هم تحت شمول تعریف تولیدکنندگان یا افرادی که از نظر قانونی قادر به ثبت نشانه های جغرافیایی یا اقامه دعوا در خصوص آن ها هستند، می باشند (ibid. p46).

طبق ماده (۷) قانون حمایت از نشانه های جغرافیایی ایران: « اظهار نامه ثبت نشانه جغرافیایی، توسط اشخاص زیر به سازمان ثبت اسناد و املاک کشور تسلیم می شود:

الف- هر شخص حقیقی یا حقوقی و هم چنین گروه هایی از این اشخاص که در مکان جغرافیایی مندرج در اظهارنامه به تولید کالای مذکور در آن مشغولند.

ب- هر مرجع صلاحیتدار در امر تولید، توزیع و سیاستگذاری کالای مورد ثبت.»
هم چنین در ماده (۲) قانون فوق‌الذکر آمده است: «هر شخص یا هر گروه ذینفع می‌تواند در خصوص نشانه‌های جغرافیایی به منظور جلوگیری از اعمال زیر یا مطالبه ضرر و زیان ناشی از آن‌ها در دادگاه اقامه دعوی نماید ...».

در قوانین برخی کشورها مانند تایلند، اندونزی و هند حتی به مصرف‌کنندگان و آژانس‌های دولتی نیز اجازه ثبت نشانه‌های جغرافیایی داده شده است.

سؤالی دیگری که در این رابطه مطرح می‌شود این است که آیا سیستم مذکور می‌تواند از منافع تولیدکنندگان واقعی کالاها حمایت کند؟ پاسخ به این سوال فرع بر پاسخ به دو سوال دیگر است: نخست، چه کسی حق مالکیت نشانه‌های جغرافیایی را دارد؟ دوم، چه کسی حق استفاده از این نشانه‌ها را دارد؟ آنچه از بررسی قوانین مختلف بر می‌آید این است که علاوه بر تولیدکنندگان حقیقی، تجار، معامله‌کنندگان، مصرف‌کنندگان و آژانس‌های دولتی نیز اجازه دارند به عنوان مالک نشانه‌های جغرافیایی عمل کنند. مداخله تجار و معامله‌کنندگان به عنوان مالک بازتاب منافع تاجر است، به عبارت دیگر در این قوانین منفعت تجار نیز در نظر گرفته شده تا چنانچه دارندگان واقعی دانش سنتی مبادرت به ثبت نشانه‌های جغرافیایی مربوطه نکردند، منافع تجار و معامله‌کنندگان به خطر نیفتد. در مقررات بین‌المللی نیز این مسأله پیش‌بینی شده است. دلیل اجازه به مصرف‌کنندگان و آژانس‌های دولتی نیز می‌تواند ماهیت بی‌نهایت از هم گسیخته و شرایط اجتماعی اقتصادی ضعیف تولیدکنندگان واقعی باشد. با این حال بیشتر قوانین حق استفاده از نشانه‌های جغرافیایی را به افرادی محدود کرده‌اند که کالاها را واقعاً در منطقه جغرافیایی مشخص شده تولید و تجارت می‌کنند. این موضوع جهت تضمین رسیدن منافع اقتصادی اجتماعی نشانه‌های جغرافیایی به استفاده‌کنندگان واقعی آن و نه واسطه‌ها پیش‌بینی شده است (ibid, pp46-47).

۱۳-۳) با توجه به مفهوم جدید نشانه‌های جغرافیایی که در موافقت‌نامه تریپس ارایه شده، «کیفیت، اعتبار و دیگر مشخصه‌های کالاها» به عنوان شروطی برای حمایت ذکر شده است. نظر به اینکه کیفیت، اعتبار یا ویژگی‌های منحصر به فرد بسیاری از نشانه‌های جغرافیایی نتیجه روش‌ها و فرمول‌های باستانی و سنتی است که از نسلی به نسل دیگر منتقل شده، این نظر پذیرفته شده است که می‌توان از دانش سنتی تحت نظام نشانه‌های جغرافیایی حمایت کرد. از سوی دیگر با توجه به نقش عمده‌ای که نشانه‌های جغرافیایی می‌تواند در توسعه پایدار شرایط اجتماعی اقتصادی تولیدکنندگان ایفا نماید (مثل تولیدکنندگان مشروبات الکلی در اروپا) با حمایت مؤثر از

نشانه های جغرافیایی دورنمای روشنی برای حمایت از منافع دارندگان دانش سنتی قابل تصور است (ibid, p13).

اعتبار یک کالا مخصوصاً اعتباری که به طور سنتی متعلق به یک منطقه جغرافیایی است، رابطه تنگاتنگی با استفاده مستمر عموم مردم از آن دارد. با استفاده از اصطلاح «اعتبار»^۱ در تعریف، می توان استنتاج کرد که نشانه باید در حال استفاده واقعی بوده و توسط عموم شناخته شده باشد. این معیار می تواند بین جوامع بومی و محلی و نشانه های جغرافیایی ارتباط برقرار کند. اما دو عنصر دیگر (یعنی کیفیت و دیگر مشخصه ها)، چنین استفاده قبلی یا شناسایی عمومی را نیاز نداشته و لزومی بر شهرت آن ها نیز نمی باشد (NS. Gopalakrishnan, 2010, p21).

بنا به مراتب مذکور در صورت اجتماع معیار اعتبار با دو معیار دیگر امکان حمایت از شرایط اجتماعی اقتصادی تولیدکنندگان سنتی محصول یک منطقه جغرافیایی به وجود می آید. نظر به اینکه وجود معیارهای انسانی برای احراز اعتبار، کیفیت یا دیگر مشخصه ها ضروری نیست، روشن می شود که حمایت از دارندگان دانش سنتی مرکز توجه عمده نیست. لذا علاوه بر دارندگان دانش سنتی که می توانند از حمایت نشانه های جغرافیایی بهره مند شوند، برخی نشانه های جغرافیایی ارتباطی به جوامع بومی و سنتی پیدا نمی کند (ibid, p22).

۱۴-۳) مسأله دیگر بررسی محدوده عبارت «ضرورتاً قابل استناد به منشأ جغرافیایی»^۲ است. طبق موافقت نامه تریپس، کیفیت، اعتبار یا دیگر مشخصه های کالا باید «ضرورتاً قابل انتساب به منشأ جغرافیایی آن» باشد. در موافقت نامه لیسبون معیاری در این خصوص وضع نشده است. در دادگاه های فرانسه رویه بر این است که فقط معیارهای طبیعی مثل آب، خاک، هوا و ... را در نظر گرفته و سهمی برای مشارکت انسانی قایل نیستند. به نظر نمی رسد موافقت نامه تریپس با رویه قضایی فرانسه موافق باشد، زیرا حتی در صورت عدم وجود عوامل طبیعی می توان با صرف وجود عوامل انسانی بر اساس معیارهای موافقت نامه تریپس از دانش سنتی تحت نظام نشانه های جغرافیایی حمایت کرد. اما باید توجه داشت که مقررات تریپس فقط به حمایت از منافع تولیدکنندگان محصول یک منطقه جغرافیایی محدود و منحصر نشده است، بلکه به تجار و دیگر افراد ذینفع نیز تعمیم می یابد. این حمایت در سایر مواد تریپس هم تأیید شده است. مثلاً بر اساس مواد (۲۲) و (۲۳) تریپس اعضا تعهد دارند که اتخاذ معیارها را برای افراد ذینفع درخصوص حمایت از نشانه های جغرافیایی تسهیل کنند. اصطلاح «افراد ذینفع»^۳ توصیف نشده و می تواند دربرگیرنده

1. Reputation
2. Essentially Attributable to Geographical Origin
3. Interested Parties

تولیدکنندگان کالا و هر کسی که نفعی در حمایت از نشانه‌های جغرافیایی دارد باشد؛ مثل تجار، دولت و دیگر سازمان‌ها (NS. Gopalakrishnan, 2010, pp 22-23).

۱۵-۳) مسأله دیگر این است که برای حمایت از نشانه‌های جغرافیایی در سطح بین‌المللی، حمایت قانون داخلی کشور مبدأ از آن نشانه ضروری است. اعضا تعهدی به حمایت از نشانه‌های جغرافیایی که طبق قانون داخلی کشور منشأ حمایت نشده، ندارند، اعم از اینکه حمایت در کشور مبدأ موقوف یا متروک شده باشد (ibid, p23).

۱۶-۳) از بررسی قوانین گوناگون این گونه برمی‌آید که واضعین قوانین حمایت از نشانه‌های جغرافیایی درصدد ایجاد ارتباطی بین نشانه‌های جغرافیایی و دانش سنتی نبوده‌اند. دانش سنتی می‌تواند شکل دهنده بخشی از نشانه‌های جغرافیایی باشد. مشروط بر اینکه معیارهای انسانی در اعتبار نشانه‌های جغرافیایی دخیل باشد. اما این مسأله در قانون هیچ کشوری صورت الزام به خود نگرفته است (ibid, p47).

نتیجه‌گیری

آنچه از مباحث فوق برمی‌آید این است که هر چند نظام حمایتی نشانه‌های جغرافیایی نسبت به سایر نظام‌های مالکیت فکری بیشتر با ماهیت دانش سنتی سازگار است، اما هم چنان خلأهایی در خصوص حمایت از دانش سنتی به چشم می‌خورد که ما را به سمت این تفکر سوق می‌دهد که نشانه‌های جغرافیایی فقط می‌تواند در دوره خلأ مقررات مستقل در خصوص حمایت از دانش سنتی نقش جانشین را در حمایت از دانش سنتی بازی کند. لذا طراحی نظامی خاص برای حمایت از دانش سنتی امری ضروری به نظر می‌رسد.

نظام خاص یا «sui generis» یک واژه لاتین به معنای «از نوع خود»^۱ است؛ بدین معنا که ویژگی‌ها، الزامات و نیازهای خاص یک موضوع، نظام ویژه‌ای را برای حمایت می‌طلبد. بسیاری معتقدند که برای حمایت از دانش سنتی و فولکلور نیز باید نظام خاص طراحی شود. به عبارتی حمایت از حقوق مالکیت فکری اجتماعات بومی و محلی می‌بایستی تحت نظام خاصی صورت گیرد که متفاوت از مکانیسم جاری مصادیق شناخته شده فعلی نظام حقوق مالکیت فکری باشد.

نمونه‌های موجود از نظام خاص حقوق مالکیت فکری عبارتند از: «حقوق پرورش دهندگان گیاهان» که در کنوانسیون «حمایت از گونه‌های جدید گیاهان در سال ۱۹۹۱» (کنوانسیون

1. its own kind

UPOV) آمده است و حمایت از حقوق مالکیت فکری «مدارهای یکپارچه»^۱ که طی معاهده «حقوق مالکیت فکری در رابطه با مدارهای یکپارچه که در سال ۱۹۸۹ یا معاهده واشنگتن» شکل گرفته است (wipo, 2001, pp 24-25).

در این راستا اقداماتی نیز از سوی برخی کشورها و سازمان های بین المللی شکل گرفته است. ایجاد کتابخانه دیجیتال دانش سنتی در هند از جمله این اقدامات است. با ایجاد این کتابخانه، از یک سو پایگاه داده ای از دانش سنتی هند برای همگان فراهم شده تا در صورت لزوم به اطلاعات مورد نیاز خود دسترسی پیدا کنند و از سوی دیگر این امکان نیز برای جامعه هند فراهم شده تا با قرار دادن اطلاعات در اختیار عموم حق الزحمه دریافت کرده و پس از تجاری سازی محصول مبتنی بر دانش سنتی، بخشی از منافع ناشی از آن را بر اساس تسهیم منصفانه منافع^۲ به دست آورند. سازمان جهانی مالکیت فکری نیز در این خصوص اقدامات ارزشمندی را انجام داده است از جمله تصویب مقررات نمونه برای قانونگذاری ملی در خصوص حمایت از نمودهای فولکلور در برابر اقدامات غیرقانونی و مضر در ۱۹۸۲ با همکاری یونسکو، تشکیل گروه های حقیقت یاب و فرستادن آن ها به نقاط مختلف دنیا برای ارزیابی نیازها و انتظارات دارندگان دانش سنتی طی سال های ۱۹۹۸ و ۱۹۹۹ و ایجاد کمیته بین الدولی مالکیت فکری، منابع ژنتیک، دانش سنتی و فولکلور به منظور گفتگو و تبادل نظر در خصوص دسترسی به منابع ژنتیک و تسهیم منافع، حمایت از دانش سنتی و نمودهای فولکلور. سازمان ملل نیز به نوبه خود اقداماتی را در خصوص حمایت از دانش سنتی و دارندگان آن انجام داده است. از جمله مهم ترین این اقدامات تصویب کنوانسیون سی بی دی در سال ۱۹۹۲ است که هدف آن اشاعه حفاظت از تنوع زیستی و تسهیم منصفانه منافع ناشی از بهره برداری از منابع ژنتیک است.^۳

1. Integrated Circuit

2. Benefit-sharing

۳. برای اطلاعات بیشتر رک:

http://www.cbd.int/doc/legal/cbd_en.pdf

فهرست منابع

– فارسی

- حبیب، سعید، معتمدی، غلامحسین (۱۳۸۵)، **حمایت از دانش سنتی و فولکلور به عنوان یکی از اجزای حقوق مالکیت فکری**، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۷۲.
- خوبکار، محمود (۱۳۸۲)، **سیاستگذاری مالکیت فکری در زمینه دانش سنتی و فولکلور**، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران.
- سلیمانی، حسن (۱۳۸۸)، **نظام حمایت بین المللی مالکیت فکری و حمایت از صنایع دستی**، مجله پژوهش حقوق و سیاست دانشگاه علامه طباطبایی.
- میرحسینی، سید حسن (۱۳۸۵)، **حقوق نشانه های جغرافیایی**، تهران، نشر میزان.

– لاتین

- Beat Graber Christoph, Girsberger Martin A,(2010).«**Traditional Knowledge at the International Level: Current Approaches and Proposals for a Bigger Picture That Include Cultural Diversity**»,2010. Available at:http://www.unilu.ch/files/traditional_knowledge.pdf
- Commission of the European Communities(2007),«**Geographical Indications and Trips : 10 Years Later ... A Roadmap for EU Holders to Get Protection in Other WTO Members**», last visited 2010. Available at: <http://www.trade.ec.europa.eu/doclib/docs>.
- DTI,(2010),«**the Protection of Indigenous Knowledge through the Intellectual Property System**». Available at: <http://www.dti.gov.za/cerd/ip/policy.pdf>
- Dutfield Graham,(2003).«**Protecting Traditional Knowledge and Folklore: A Review of Progress in Diplomacy and Policy**

- Formulation**, last visited 2010 ,available at:<http://www.iprsonline.org/resources/docs/Dutfield>
- Gopalakrishnan,N.S,(2007),Exploring the Relationship between Geographical Indications and Traditional Knowledge: An Analysis of the Legal Tools for GI Protection in Asia», last visited 2010, available at: http://www.iprsonline.org/resources/geographical_indications.pdf
 - Hansen,Stephen A, VanFleet, Justin W,(2009),**Traditional Knowledge & Intellectual Property**, Washington DC, AAAS, last visited 2010,available at: <http://www.shr.aaas.org/tek/handbook/handbook.pdf>
 - Ullrich, Hanns,(2005),«Traditional Knowledge, Biodiversity, the Benefit-Sharing and the Patent System : Romantics V Economics., last visited 2010,available at:<http://www.cadmus.eui.eu/bitstream/handle/1814>
 - WIPO,(2010),**Intellectual Property & Traditional Knowledge**. available at: <http://www.wipo.int/freepublications/n/tk>
 - WIPO, (2001),«**Intellectual Property Needs and Expectations of Traditional Knowledge Holders**», wipo report on fact-finding missions on intellectual property and traditional knowledge (1998-1999).available at: <http://www.wipo.int/tk/en/ffm/report>
 - WIPO,(2009),«**Standing Committee on the Law of Trademarks, Industrial Designs and Geographical Indications**».available at: <http://www.wipo.int/meetings/en/topic.jsp>
 - WIPO,(2010) **Understanding Industrial Property**.available at: <http://www.wipo.int/freepublicatons/en>

- WIPO,(2010),Wipo Intellectual Property Handbook: Policy, Law and Use, Chapter 2. Available at: <http://www.wipo.int/export/sites/www/about-ip>.